

۱۳۱۵۲

دنیای بسته

جاءه تناسی و روانشناسی زندان از درون

عمادالدین باقی

سرشناسه: باقی، عمادالدین، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور: دنیای بسته: جامعه‌شناسی و روانشناسی زندان از درون /
عمادالدین باقی.

مشخصات نشر: تهران: سرایی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۳۳۹ ص:، ۲۲×۲۹ س.م.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۳۶۲-۵۰-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: نمایه. / یادداشت: کتابنامه
عنوان دیگر: جامعه‌شناسی و روانشناسی زندان از درون.
موضوع: زندان / موضوع: زندان - جنبه‌های اجتماعی
موضوع: زندانیان - بهداشت روانی
موضوع: زندان - مدیریت
رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۹۲۵/۷۸۶۶۹ HV
رده بندی دیویی: ۳۶۵
شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۳۹۴۴۱



نام کتاب	:	دنیای بسته (جامعه‌شناسی و روانشناسی زندان از درون)
نویسنده	:	عمادالدین باقی
چاپ اول	:	۱۳۹۴ ش. / ۱۴۳۶ ق. / ۲۰۱۵ م.
امور فنی	:	حسام‌الدین مروودشتی
شمارگان	:	۲۰۰۰ جلد
قیمت	:	۱۹۰۰۰ تومان
تلفکس	:	۲۲۵۶۳۴۵۸ (+۹۸۲۱)
همراه	:	۸۴۷۸۸۰۸ (+۹۸۹۱۰)
ایمیل	:	SaraeiPublication@gmail.com

کلیه حقوق چاپ و نشر، محفوظ و مخصوص ناشر است و هرگونه کپی‌برداری و نقل مطالب بدون اجازه‌ی ناشر پیگرد قانونی دارد.

فهرست

۱۲	مقدمه ضروری
۱۳	اهمیت ضرورت پژوهش
۱۵	نکته‌ای مهم درباره روش پژوهش
۱۹	یک تشابه شگفتانگیز

بخش ۱: زندانوارگی

۲۴	زندانوارگی، ایده بنیانی کتاب
۳۴	نهادهای تام و تمامیت گرایي
۳۷	ساکنان دنیای بسته

بخش ۲- جامعه بسته و قرا نین

فصل نخست (پدیدارشناسی زندان)

۴۶	تعلیق پدیدارشناسانه
۵۰	تجربه روش شناسی مردمی در زندان

فصل دوم (زندان مثل جامعه تمام)

۶۰	اقتصاد زندان
۶۵	مدل‌های اداره اقتصادی کمون در زندان
۶۹	کارکرد فرهنگی و اخلاقی

۷۲	وجه نظر اجتماعی
۷۶	تراکم اخلاقی و خلاقیت‌های زندانی
۷۸	اهمیت اعداد در زندگی جمعی
۸۶	سنگ‌شناسی زندانی: روباه و شیر
۹۴	مجازات رمال جنایت پیشه در هاله ابهام
۹۵	مدیریت زندان

فصل سوم (زندانی و خانواده)

۱۰۰	وابستگی روح خانواده به روحیه زندانی
۱۰۵	پیوندهای خانوادگی: تئوری با تضعیف وابستگی به خانواده
۱۰۷	زنان زندانی
۱۱۱	غم معاش
۱۱۲	کاهش انتظارات و افزایش اعتماد به نفس

فصل چهارم (مفهوم زمره طبیعت، زندگی)

۱۱۸	قدرت و نفوذ «آینده»
۱۲۰	انتظار آزادی، ناشکیبایی می‌آورد
۱۲۱	طبیعت هم بدون آزادی، بدون روح است
۱۲۳	شرایط زوال روانی و عقلی در زندان

فصل پنجم (خبر و آگاهی)

۱۲۶	نیاز به خبر و آگاهی
۱۲۸	خبر در محیط بسته
۱۳۱	روش‌های سازگاری و کتاب و کتابخوانی در زندان
۱۳۷	روزنامه خوانی زندانی

۱۳۷	نیاز به دستکاری خبر
۱۳۹	روش ها و منابع کسب خبر

بم ش ۳- رفتارشناسی و روانشناسی اجتماعی و فردی در زندان

فصل نخست (امید و جنون - سندرم زندان)

۱۴۲	تفاوت جهان اخلاقی به فاصله یک دیوار
	پیوسته ها و گسسته ها، فرایند روانی و جبری زندان و کاهش آستانه
۱۴۶	تحریکی زندانی
۱۵۳	جنون
۱۵۴	پارادوکس های روحی
۱۵۵	بازآفرینی مکرر امید، کاپسول زندانیان
۱۵۸	توسل به امور ماورای طبیعی
۱۶۱	سندرم زندان
۱۶۶	فرومایگی
۱۶۸	رابطه حافظه و اندوخته های پیشین

فصل دوم رؤیاها و باورها

۱۷۴	خواب های زندان
۱۷۷	تقدیرگرایی
۱۸۱	زندان، حمام عقیدتی
۱۸۲	لذت مطرح شدن برای برخی زندانیان
۱۸۴	فرایند تبدیل شدن به عنصر ضد اجتماعی

فصل سوم (کار، آفریننده انسان)

۱۸۸	روانشناسی زندان و بیکاری، الگویی برای فهم روانشناسی اجتماعی
-----	---

فصل چهارم (علل و منابع تنش)

۲۰۱		ساختار و سیمای ظاهری و فیزیکی زندان
۲۰۶		محرومیت‌های جنسی
۲۱۲		سکوت کلامی و سکوت جنسی
۲۱۵		دسته‌های مامی و منزلی و هویت صنفی
۲۲۰		فاصله‌های اجتماعی و مرامی (مسلکی)
۲۲۱		تفاوت‌های شخصیتی و تربیتی
		روی صحنه و پشت پرده (حذف مرزهای حریم خصوصی و عمومی)
۲۲۲		عضوگیری
۲۲۵		تبعیض
۲۲۷		ترکیب‌بندی هم‌بندی‌ها
۲۲۸		شگفت‌ترین همزیستی‌های مسالمت‌آمیز
۲۲۹		گذر از همزیستی اجباری به داوطلبانه
۲۳۲		

بخش ۲- زندانبانی

فصل نخست (کنش متقابل و مناسبات پیچیده زندانی و زندانبان)

۲۳۶		بنیاد جامعه بسته: سلطه جویی و پایش دوجانبه
-----	-------	--

فصل دوم (تیپ ایده‌آل زندانبانی)

۲۴۸		چرا زندانبان‌ها لاجوردی را دوست دارند؟
۲۴۹		نوع دیگری از زندانی‌ها و رمز و راز

نگاه به زندان از دریچه ذهن زندانبان ۲۵۰

فصل سوم (ترس، شالوده جامعه بسته)

۲۵۴	درک متضاد از زندان توسط زندانی و زندانبان
۲۵۵	حساس و دیدگاه زندانی نسبت به زندانبان
۲۵۶	ترس زندانبانها از زندان
۲۵۹	پشتوانه دسیپلین زندان
۲۶۱	تلفیق اطاعت و تنبیهی ترس در زندانبان

بخش ۵- نیمه علمی جامعه شناختی و روانشناختی به جرم و مجازات

۲۶۶	قدرت جامعه
۲۷۰	مهارت های تازه
۲۷۱	تحلیل شهودی کارآمدی زندان

بخش ۶- پایان زندان

۲۸۴	خروج پس از خروج
۲۹۰	واپسین گفتار: جوهر زندان یا راز گشایی از زندان
۳۰۷	منابع
۳۰۷	نمایه
۳۳۳	کارنامه

مقدمه ضروری

زندان همواره یک پرسش بزرگ بوده است گرچه همواره از باب قدرت آن را پاسخ نسبی به دشواری‌های خویش یافته‌اند اما هر زمان، هر کس و هر انانیشه‌وری از زندان به عنوان استعاره و تشبیهی مدد جسته است تا معانی فراوانی را در یک واژه جای دهد. چنانکه شاعر بلندپایه قرن هفتم، مولانا می‌گوید:

زندانی / شد همه خلق، یقین دان
مهرش، تو را از تک زندان نرهاند
و در شعر دیگری می‌گوید:

باز آمدم چون عید نوروز / زندان بشکنم
وین چرخ مردم خواب را / گال و دندان بشکنم
و در میان معاصران البته بسی بیش‌تر بوده‌اند که از زندان در مقام تشبیه، تعریف و پرسش یا پاسخ سخن گفته‌اند. اخوان ثالث همین‌ی آغاز در شعری بلند: هیچ می‌دانی که زندان چیست؟ / از کدامین قاره‌ست این بوم؟ / هیچ می‌دانی که این بوم آشیان، این شوم / از چه اقلیمی است / اصلش اول یادگار از کیست؟ / کس چه می‌داند؟ ما چه می‌دانیم؟ / شاید این جا قاره شوم ششم را پَر کنه‌ی پرتی ست، / در سواد هشتمین اقلیم / با چنان‌هایی چنین دیگر / بی‌شک این جا دیگر اقلیمی ست / آسمان

دیگر، زمین دیگر / آفتاب و سایه را ذاتِ دیگر، حتی / کائناتِ عقل و حس را رسم و دینِ دیگر / باز در آن چه غوغایی است؟ / باز - پرسیدم - چه بلوایی ست؟ آری از کدامین قاره ست این بوم و این آشیان؟

در این اثر نگارنده بر آن است که با غواصی در این بحر و قعر تاریک و سیاهش، نوری بتاباند و شاید چهره‌ای از آن را بنمایاند.

در قرون گذشته صدها کتاب ارزشمند درباره زندان و جنبه‌های مختلف آن، کز آمدی یا ناکارآمدی‌اش، اصلاح مجازات‌ها و روش‌ها در زندان و... تحریر شده‌اند و اقدامات گوناگونی صورت گرفته‌اند و اصلاح طلبانی برخاسته‌اند. تلاش‌های عظیمی صورت داده‌اند تا اینکه کاروان بشری به اینجا رسیده است. این کتاب نیز تنها برگی است از آن کتاب قطور و گامی هر چند کوچک است در راستای کوشش‌های پرشکوه بشر برای شناخت و حل یک مسئله اجتماعی. این کتاب اگر در فرازهایی تکرار کننده نظریات پیشین باشد در حکم آزمون طولی و تاریخی نظریه‌هاست که در زمان‌های مختلف به آزمون نظریه‌ها می‌پردازد. تا اینکه نقض یا ابرام می‌شود.

اهمیت و ضرورت پژوهش

مطالعه جامعه و دولت از زاویه زندان از چند لحاظ اهمیت دارد:

۱- از نظر آماری، اگر آمار زندانیان در جهان به ویژه آمار زندانیان در گردش را در نظر بگیریم جایگاه زندان در مطالعه وضع اجتماعی و مدیریتی و دولت آشکار می‌گردد. فراوانی زندانیان، نوعی نمونه‌گیری

از اқشار مختلف به صورت تصادفی است. ایران در سال ۱۳۹۱ش (۲۰۱۲م) حداقل ۲۵۰ هزار نفر زندانی ثابت (سایت مرکز مطالعات بین‌المللی زندان) یا ۸۰۰ هزار زندانی در گردش از جمعیت ۷۵ میلیونی داشت و پس از آن‌هم همین آمار با کمی نوسان حفظ شده است. در طول دهه پس از انقلاب ایران در ۱۳۵۷ش (۱۹۷۹م)، جمعیت زندانیان به ۷ برابر افزایش یافت در حالی که جمعیت کل کشور دو برابر شده است (مهرجو، ص ۷۵-۷).

۲- زندان یکی از انیمی‌ترین نهادهای اجتماعی و نهاد اعمال قدرت و مهم‌ترین ابزار مستر ته خط حکومت‌ها بوده است.

۳- زندان محل سرزنش ناهنجاری‌های جامعه است.

۴- و زندان آینه‌ای از میزان کم‌ترین ناهنجاری‌های اجتماعی است اما به دلیل بسته بودن آن کم‌تر امکان تحقیقات مؤثر وجود داشته است. در باب تاریخ زندان، پژوهش‌های چندی انجام گرفته که واجد ارزش و سودمندی وافر هستند و نیازی به دوباره کار نیست و خواننده را به آنها ارجاع می‌دهم، کتاب‌هایی همچون: سرگذشت زندان، گردآوری شده توسط نوروال موریس و دوید ج. روتمن و نیز کتاب سراقبت، تنبیه اثر میشل فوکو. کتاب‌هایی چون کتاب‌های نامبرده، همچنین مأخذی که در متن از آن‌ها بهره‌گیری و ارجاع داده شده است و نیز رساله پیش‌رو، بدون شک کامل‌کننده یکدیگرند. در این رساله اما بر جامعه‌شناسی و روانشناسی زندان تمرکز شده است آن‌هم با نگاه از درون نه نگاه از بیرون.

نکته‌ای مهم درباره روش پژوهش

یکی از عینی‌ترین و رواترین روش‌های مطالعه در پژوهش‌های اجتماعی، روش مشاهده‌ای است. این روش خود بر دو نوع مشاهده منفعل و روش مشاهده فعال یا مشاهده مشارکتی است.

مشاهده منفعل مانند استفاده از دوربین‌های شهری برای مطالعه است. برای مثال یک محقق، فرضیه‌ای درباره واکنش مردم در وضع طبیعی نسبت به موضوعی دارد و یا رفتار مردم را در رویدادهای ترافیکی یا عبور از چراغ قرمز یا هنگام بروز تصادف و غیره می‌خواهد مورد مطالعه قرار دهد. برای آزمون فرضیه خود از روش‌های نمونه‌گیری استفاده می‌کند ولی رفتار و واکنش نمونه را با هماهنگی سازمان مربوطه در اتاق مرکزی دوربین‌های شهری به مشاهده و ثبت وقایع می‌نشیند سپس آنها را آنالیز می‌کند.

مشاهده فعال یا مشاهده مشارکتی یا همدلانه مانند مطالعه زندگی کارتن‌خواب‌ها از طریق زیستن با آنها و پوشیدن لباس آنها و کارتن‌خوابی کردن است اما هرچند هم که نام آن را مشاهده مشارکتی همدلانه بگذاریم باز هم با نواقصی روبرویم. یکی اینکه مشارکت همدلانه با تمام عناصر صورت نمی‌گیرد و تنها با نمونه‌هایی از کارتن‌خواب‌ها انجام می‌شود. دیگر اینکه دنیای یک کارتن‌خواب و یک محقق و احساسات آنها به غایت متفاوت است. محقق کارتن‌خواب گذشته‌ای چون یک کارتن‌خواب واقعی نداشته و آینده‌ای چون او نیز ندارد و می‌داند که چند هفته بعد این تحقیق تمام شده و او به بستر گرم و نرم و زندگی عادی خویش بازمی‌گردد.

برخلاف یک کارتن خواب که در آینده‌ای نامعلوم و همچنان سیاه و نکبت‌بار غرق است و از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی‌اش محروم است. عمده پژوهش‌های انجام شده درباره زندان نگاهی بیگانه‌وار به موضوع است و ناچیزی از آنها هم در بهترین حالت از نوع مشاهده مشارکتی مددانه است اما درچنین حالتی مشاهده همدلانه‌ی تصنعی است نه راقعی، زیرا یک محقق وارد زندان می‌شود تا در کنار افراد زندانی زندگی کند. در دهان تعداد پژوهش‌های انجام شده از این نوع به اندازه انگشتان یک دست هم باشد با وجود این که ارزشمندتر از بقیه است اما همدلی تصنعی است به حقیقی و همین که محقق می‌داند به عنوان انجام یک تحقیق وارد شده و خازنده او نیز به این موضوع آگاهند و می‌داند پس از پایان تحقیق به زندگی عادی خویش باز می‌گردد او قادر به درک انواع استرس‌های زندانی نیست. بسیاری از امور را فقط از طریق احساس مشترک می‌توان فهمید. در زندان ملاقات، تلفن، حتی دیدن آسمان، ابر، آفتاب، سبزه و درخت و دیوار و نهوم زمان با مفهوم همان کلمات در بیرون زندان و یا برای یک فرد آزاد است. تفاوت است که اگر این مفاهیم و واژگان را بتوان از دریچه ذهنی این وارد زندانی و آزاد توصیف کرد گویی با دو پدیده متفاوت روبه‌رو هستیم و این تفاوت ریشه در تفاوت حالات و احساسات زندانی و غیرزندان دارد و در همین جاست که یک محقق نمی‌تواند وارد این دنیای زندانی شود چون مانند او نیست و لذا نمی‌تواند آن را به گونه‌ای درک و لمس کند که بتواند توصیف نماید و نگاه او از بیرون است نه از درون.

برای مطالعه زندان به صورت عینی، اصحاب جامعه‌شناسی روش مشاهده مشارکتی را به مثابه بهترین روش پیشنهاد خواهند کرد که طبق آن پژوهشگر داخل مجتمع زندان شده و با آنان زندگی کند اما بدون شک تا کسی به طور واقعی زندانی نباشد قطعاً قادر به درک و شهود دغدغه‌ها و شرایط روانی و کنش‌های متقابل آنها نیست. باید دقیقاً مانند خود زندانی یعنی زندانی واقعی بود تا درون فهمی پدیده میسر شود و کسی که به عنوان مطالعه به صورت برنامه‌ریزی شده وارد جمع آنان می‌شود چون واقف است که واقعه زندانی نیست و با اراده خویش آمده و با اراده خویش خواهد رفت و بلا تأملی انتظار و آینده نامعلومی ندارد، خانواده او نیز می‌دانند که این یک مطالعه علم است نه یک حبس واقعی لذا همه چیز تصنعی خواهد بود. برای مثال چنانچه پیش‌تر هم اشاره شد، مفهوم زمان برای یک زندانی تفاوت مهمی با زمان برای افراد غیر زندانی دارد و این تفاوت تنها از طریق زندانی واقعی بودن درک می‌شود؛ و نیز مفهوم خانواده و آزادی و حتی اشیای پیرامون. از همین رو در رساله حاضر به موضوعاتی چون زمان، ارتباط با خانواده، ارتباط زندانبانان با یکدیگر و با زندانبانان و نیز ارتباط با محیط فیزیکی و کالبدی و اشیای پیرامون، زندانی و... پرداخته می‌شود.

مشاهده مشارکتی همدلانه البته محقق را به واقعیت نزدیک می‌کند اما باز هم محقق را با واقعیت یکی نخواهد کرد. از این رو آنچه در این کتاب می‌آید از مزیت یک حس واقعی زندانی برخوردار است که از آغاز بر آن بوده که دوره حبس را به سوژه مطالعه زندان مبدل سازد و حس دوکاره‌ای

داشته باشد، دستاوردی که کسی حاضر نیست ۵ سال از عمر و آزادی خویش و خانواده‌اش به طور واقعی با تمام رنج‌های زندانی بودن دست و پنجه نرم کند تا به چند سطر نوشته دست یابد اما این امر به طور اجباری و طبیعی برای نگارنده رخ داده است.

این اثر برآیند یک مطالعه کتابخانه‌ای - اسنادی نیست که دارای رفرنس‌ها و استنادات به منابع گوناگون باشد. بل از یک تجربه زیسته پدیدارشناختی و بررسی میدانی و مشاهده‌ای و انتزاع ایده‌های کلی از طریق مشاهده موارد و مصاحبه‌های نرزی به بار نشسته است. پاره‌ای از مصادیق و جزئیات در یادداشت‌های دوران زندان ثبت شده‌اند که بیان آنها به اطناب و تفصیل انجامیده و اثر را به یک خاطره‌نویسی تبدیل می‌سازد. هرچند واقفم که ارجاع به آنچه هنوز منتشر نشده و در دسترس نیست با روش علمی مغایرت دارد اما این از پیامدهای گریزناپذیر شرایط ویژه ما و دوران ماست چه نشر خاطرات نیز با موانع و محصورات ویژه خود روبروست. این هم از معضلات نویسندگی در این دیار حکایت می‌کند. من می‌توانم ادعا کنم مزیت تحقیقی که پیش رو دارید این است که یک پژوهشگر، به واقع تحت تعقیب و محاکمه قرار گرفته و روانه زندان شده و یک زندانی واقعی است که حتی گاهی محدودیت‌هایی بیش از زندانیان عادی بر او تحمیل شده است و دنیای او و خانواده‌اش با دنیای زندانیان یکی بوده است اما تصادفاً او یک زندانی بوده که پیش از محکومیت، پیشه پژوهشگری و نویسندگی داشته و برای کاهش تألمات زندان می‌خواهد پیشه خویش را در حبس نیز ادامه دهد و زندان را به یک سوژه (subject) تبدیل کند، یک

سوژه مطالعاتی که در عین حال، خود او هم مانند سایر زندانیان جزو این سوژه و موضوع تحقیق است. اگر زندانی اهل تحقیق و نکته بینی باشد محیط زندان فرصت شایسته‌ای برای کسب یا ارتقای دانش بالینی است. با التفات به آنچه گفته شد این کتاب به روش تئوری زمینه‌ای یا گراوند تئوری (grounded theory) بسیار نزدیک شده است که طبق این روش یادداشت‌های شخصی که قصد ساختن تحلیل‌های مفهومی را دارد مبنای کار قرار می‌گیرد. دو متکی به مشاهدات محقق و قدرت فهم و تحلیل اوست و از نظریه‌های مختلف برای تحلیل مطالب استفاده می‌شود.

این رساله در نگاه جامعه‌شناختی و روانشناختی دارد اما نتایج مترتب بر آن حقوقی است و مابانی و مبادی پاره‌ای از اصول حقوقی و حقوق بشری را تبیین می‌کند. و به عبارت دیگر در حکم روشنگری پیرامون فلسفه ممنوعیت شکنجه و حق بر ملاقات و درمان و دسترسی به اطلاعات و رسانه‌ها و حق احترام و منع توهین و... است.

یک تشابه شگفت

یکی از یافته‌های شگفت این است که ابتدا این کتاب در سال دوران حبس ۵ ساله و نیز چند سال آمد و شدهای مکرر در راهروهای دادگاه‌ها، بر مبنای مشاهدات و تجربیات نگارنده به تدریج نوشته شد. نحوی که اگر تمام نقل قول‌ها از کتاب‌ها و منابع دیگر (بجز نقل قول از کتاب داستایفسکی که در زندان نوشته شده) را از این کتاب حذف کنیم می‌شود همان متن اولیه تحریر شده در دوران حبس. پس از پایان یافتن کتاب،

نگارنده بر آن شد گشتی هم در خاطرات زندانیان پیشین زند تا اگر نکته یا نکاتی برای غنی‌تر ساختن این رساله یافت بر آن بیفزاید یا از آن الهام گیرد. با کمال شگفتی آشکار شد کسانی که ۵۰ سال و ۱۰۰ سال پیش نیز در زندان بوده‌اند با وجود عقاید و ایدئولوژی‌های مختلف و نیز تفاوت‌های جغرافیایی از اروپا تا ایران اما شباهت فراوانی میان روایت‌ها و نگاه‌ها و احساسات و یافته‌های آنان وجود دارد. شالوده کتاب حاضر را یادداشت‌های نویسنده در طول ۵ سال حبس در زندان اوین (تهران) از سلول‌های انفرادی ایندهای مختلف عمومی تشکیل می‌دهد و صرفاً برای نشان دادن قابلیت تعمق این یافته‌ها و یادداشت‌ها فقط چند نمونه برجسته از زندانیان متعلق به گرایش‌های گوناگون در سرزمین‌های گوناگون که در عرصه سیاست یا اندیشه، قلمرو کشوری یا جهانی شناخته شده بودند برگزیده شده‌اند. آنتونیو گرامشی که به مدت ۱۱ سال از ۹ نوامبر ۱۹۲۶ تا ۲۱ آوریل ۱۹۳۷ در ایتالیا زندانی بوده است، بزرگ علوی با عقاید کمونیستی که از ۲۱ اردیبهشت ۱۳۱۶ تا شهریور ۱۳۲۰ ش (می ۱۹۳۷ تا سپتامبر ۱۹۴۱) به مدت ۵ سال زندانی بود - به نظر پیشه‌وری از دی‌ماه ۱۳۰۹ (۱۹۳۱م) تا اواخر ۱۳۱۸ (۱۹۴۰م) به مدت ۱۰ سال حبس بود. علی‌دشتی با گرایش به سلطنت که در ۱۲۹۹ ش (۱۹۲۱م) به مدت ۳ ماه حبس شد، داستایفسکی که در روسیه در سال ۱۸۴۹ م دستگیر و مدت ۴ سال در سبیری زندانی بود و کاظم بجنوردی محکوم به اعدام که با یک درجه تخفیف به حبس ابد تبدیل شد و از مهر ۱۳۴۴ تا بهمن ۱۳۵۷ به مدت ۱۴ سال در زندان رژیم شاه در ایران بود و با انقلاب

۱۳۵۷ ش (۱۹۷۹ م) آزاد شد. این نمونه‌ها که در کتاب‌های زندانیان دیگر نیز مضامین مشابه آنها مشاهده می‌شوند شبیه یک استقرای طولی و عرضی در جغرافیای زمانی و مکانی است که نشان می‌دهد یافته‌های این کتاب (که خود مبتنی بر نمونه‌های فراوان زندانیانی است که در دسترس و تماس نگارنده بوده‌اند) با تجارب دیگران تصدیق می‌شوند و صلاحیت این را دارند که ادعا شود شایستگی و شأن تعمیم دادن را دارند. حتی تعبیراتی مانند تعبیر «زننده بگور» در مورد زندانی را که نگارنده در متن اولیه نوشته در بسیاری از این کتاب‌ها مانند کتاب علی دشتی و بزرگ علوی و رمان «خطرات خانه» در آن داستایفسکی می‌توان دید.

در بررسی تجربیات زندان در زمان‌ها و مکان‌های مختلف می‌توان به مشابهت ساختاری و کارکردی زندان بطور کلی حکم کرد و با توجه به اینکه زندان یک جامعه بسته است و ارتباطات اجتماعی و اقتصادی خاص خود را داراست می‌توان مشابهت‌های فراوانی میان زندان و جامعه بسته برقرار کرد. لذا این کتاب، هم مطالعه زندان است و هم جامعه بسته زیرا زندان را یک مدل آزمایشی از جامعه بسته می‌انگارند. تعداد مشترک و مشابهت‌های فراوانی میان این دو جامعه وجود دارد. در بیرون زندان همواره طغیان علیه وضع موجود وجود داشته و این به هیچ وجه معانی آن نیست که همه کسانی که در جامعه بیرون و غیر زندان علیه سختگیری طغیان می‌کنند حتماً انسان‌های ایده‌آل یا بیگانه‌ای هستند لذا می‌توان گفت طغیان زندانیان در طول تاریخ علیه سخت‌گیری‌های و جباریت و قوانین ناعادلانه و انعطاف آنها در وضعیت دموکراتیک، منابع تنش، قانون، اعتماد

و بسیاری امور دیگر از الگوی یکسانی در رفتار توده در جامعه باز و بسته پیروی می‌کند. تاریخ مبارزه برای تغییر شرایط زندان و انسانی‌تر ساختن آن همانند تاریخ مبارزه برای انسانی‌تر کردن مناسبات قدرت و جامعه و دولت و ملت است. سؤال و جواب‌ها نیز بسیار مشابه‌اند. برای مثال آیا دولت ضروری است؟ جواب: دولت شر لازم است. آیا زندان ضرورت دارد؟ جواب: زندان جزء ضروری‌ترین اختراعات منحوس بشری است. فوئو نیز می‌داند: «زندان راه حل کریهی است که نمی‌توان از آن اجتناب کرد» (فوئو، ۲۸۶).